

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

صص ۲۲۲-۱۹۵

حفاظت حقوقی از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر جنگ دوم خلیج فارس

بینا آزادبخت* - دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

سید عباس پورهاشمی - استادیار حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

صادق زیباکلام - استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران

داوود هرمیداس باوند - استاد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۳

چکیده

تجربیات تلخی که جامعه جهانی در خلال جنگ‌ها پشت سر گذاشته، موجب ارتقاء جایگاه محیط زیست در حقوق مخاصمات مسلحانه شده، به نحوی که می‌توان هنجارهای آن را در زمره عرف بین‌الملل و قواعد آمره با اثر ارگا اومنس قرار داد. از همین رو پژوهش حاضر در صدد است با توجه به موقعیت استراتژیک منطقه خلیج فارس و تجارب ناشی از دو جنگی که در منطقه به وقوع پیوسته، بویژه جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) و تبعات زیست محیطی آن، با بررسی قواعد حقوقی موجود در زمان جنگ دوم و نیز قواعدی که پس از آن تدوین گشته به رویکرد حقوقی جدیدی برسد، تا در صورت وقوع جنگی احتمالی در منطقه خلیج فارس و یا در سایر مناطق دنیا در پرتو آن رویکرد آسیب‌های زیست محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه را به حداقل رساند.

واژه‌های کلیدی: حقوق محیط زیست، جنگ دوم خلیج فارس، قواعد آمره، آلودگی.

۱- مقدمه

جنگ بی‌تردید شگفت‌انگیزترین پدیده اجتماعی می‌باشد که آفریننده تاریخ است (1: Farkhojasteh, 1989). چرا که انسانها از دیرباز با یکدیگر سر ستیز داشته و با وجود تحولات ژرفی که در زندگی بشر بویژه در قرون اخیر روی داده است، در این خصوص هیچ تغییری حاصل نشده، لذا هیچ دوره‌ای از تاریخ را نمی‌توان یافت که در آن اثری از خشونت و جنگ نباشد (6: Azghandi and Roshandel, 2005).

جنگ به‌عنوان یک اصل اساسی و تردیدناپذیر در روابط بین‌الملل که همواره حضور خود را بدون محدودیت در زمان و مکان به دول متعارض تحمیل کرده است، دارای اثرات و تبعاتی مختص خود می‌باشد و با وقوع آن، مقررات معتبر زمان صلح به مقدار زیادی کاربرد خود را از دست می‌دهند و حقوق جنگ جایگزین آنها می‌شود (57: Bakhtiari Asl, 1997). مگر قواعدی که در زمره قواعد آمره قرار گیرد که ناظر بر شرایط جنگ و صلح به‌طور توأمان می‌باشد. به همین سبب حقوق بین‌الملل از آنجا که نمی‌تواند مانع از بروز جنگ‌ها شود، به‌دنبال آن است تا با وضع مقرراتی که تمامی تابعان حقوق بین‌الملل خود را به آن ملزم می‌دانند، جهانی ایمن‌تر بنا نماید. در این میان از آنچه در حقوق بین‌الملل مدرن مورد توجه خاص قرار گرفته می‌توان از محیط زیست در تمامی ابعادش و حفاظت از آن در شرایط جنگ و صلح نام برد (292-293: Henderson, 2010)، چرا که جامعه جهانی موفق به درک این مسئله شده که محیط زیست یعنی هر آنچه که حیات بشری به آن وابسته بوده (Habibi, 2000: 6) و تنها کره مسکون است، از همین‌رو جامعه جهانی از یک‌سو اهمیت و نقش محیط زیست را انکارناپذیر می‌داند و از سویی دیگر وقوع مخاصمات مسلحانه را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و به‌دنبال آن است که به کمک قواعد الزام‌آور آسیب‌های وارده بر محیط زیست بشری را در خلال درگیری‌ها به حداقل ممکن برساند. معمولاً در مخاصمات مسلحانه علاوه بر تلفات انسانی، منابع و محیط زیست نیز در معرض آسیب و خطر نابودی قرار می‌گیرد که امروزه با توجه به تکنولوژی پیشرفته در جنگ‌افزارهای نظامی خسارات شدیدی به آنها وارد می‌شود.

در همین خصوص حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مبتنی بر حقوق بشر و مقتضیات وجدان عمومی جامعه جهانی و با هدف تسکین آلام جنگ و تخفیف مصائب آن قواعدی را تدوین نموده که با به‌کارگیری آنها می‌توان به یک حالت سازش بین الزامات نظامی و ملاحظات بشر دوستانه رسید و از ورود خسارات جبران‌ناپذیر به محیط زیست جلوگیری نمود (31: National Committee for Humanitarian Law, 2003). لازم به ذکر است، از آنجا که قواعد مذکور برای اجرا مبتنی بر یک قدرت مرکزی نمی‌باشند، لذا این مهم حاصل نمی‌شود، مگر با همکاری بر پایه اعتقاد و باور تمام دولتها، بویژه دولتهای متخاصم با تصمیم‌گیری‌های بجا و کارآمد در خلال مخاصمات مسلحانه و با هدف حفظ محیط زیست برای نسل امروز بشر و نسل‌های آینده. البته از آنجا که امروزه در نسل سوم حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و برخورداری از محیط زیست سالم، بخشی از تعهدات و الزامات امره و همگانی (ارگا اومنس^۱) دولتها محسوب می‌شود، حرکت دولتها به سمت حفاظت محیط زیست در همه شرایط اعم از جنگ و صلح می‌باشد (International Law and the right to a healthy environment as a Jus cogens human rights).

خلیج فارس به‌عنوان یکی از مناطق حساس و بالقوه خطرناک جهان در سالهای اخیر مطرح شده است. وقوع دو جنگ بسیار مهم در این منطقه موجب بروز اثرات تخریبی غیرقابل جبران در محیط زیست این منطقه ارزشمند بوده است. چنانچه بسیاری از زیستگاههای حیات وحش ایران، عراق و کویت در خلال جنگ اول (۱۹۸۰) و دوم (۱۹۹۰) که به جنگ نفت معروف شد، آسیب جدی دیده‌اند. بروز آلودگی‌های زیست محیطی در بسیاری از محدوده‌های درگیری و حتی خارج از آن باعث شده خسارات سنگین بر اکوسیستم‌های آبی و خاکی این کشورها وارد شود (4: Ettehad, 2007). چرا که تمایل طرفین منازعه به پیروزی از طریق به کارگیری سلاح‌های ویرانگر منجر به زیر پا گذاردن اصول انسانی و حقوق بشردوستانه گردید و در جایی که حقوق اولیه بشر نادیده انگاشته شود، نمی‌توان انتظار داشت طرفین درگیری نگران اجزای طبیعت (حیات وحش، نباتات و ...) باشند.

عراق در جنگ نفت تعداد بی‌شماری از چاه‌های نفتی کویت را به آتش کشید که علاوه بر ایجاد آلودگی شدید در نتیجه نشت نفت، گزارش‌های تکان دهنده‌ای مبنی بر وقوع پدیده باران اسیدی که از آتش و دود فرآورده‌های نفتی حاصل شده بود، انتشار یافت. در گزارش سازمان جهانی هواشناسی^۱ آمده است: «سوختن صدها چاه نفت کویت، روزانه نیم میلیون تن گازکربنیک، ۴۰ هزار تن اکسید گوگرد و ۳ هزار تن اکسیدهای ازت و مقادیر زیادی از عناصر آلوده‌کننده دیگر وارد هوای خلیج فارس کرده است و اثرات این آلودگی به حدی بود که دودهای سیاه تا غرب چین و ارتفاعات هیمالیا در هندوستان کشیده شد (www.ravy.ir/context2341328.html, pp.1-2). از دیگر آثار سوء این دود سیاه ته‌نشینی آن در چرخه غذایی دریا بود که باعث افزایش حجم بار آلودگی در آبهای خلیج فارس شد و در نهایت منجر به آسیب‌های گسترده به حیات جانوری و گیاهی در این منطقه گردید (www.form.pacyrus.com/showthread.php?t=5124, p.1). شورای امنیت با وجود تمام آسیب‌های زیست محیطی وارده در خلال جنگ دوم خلیج فارس (۲ اوت ۱۹۹۰؛ ۲۸ فوریه ۱۹۹۱) تنها در قطعنامه ۶۷۴ (۲۹ اکتبر ۱۹۹۰) از میان ۱۳ قطعنامه صادره، دولت عراق را در برابر خسارات ناشی از انهدام اموال عمومی و خصوصی در کویت مسئول شناخت که آن هم منجر به کاهش اثرات مخرب زیست محیطی جنگ نگردید.

متأسفانه برخی تلاش‌ها برای ایجاد امنیت در خلیج فارس از چندین دهه گذشته نتوانسته است با موفقیت همراه باشد و هنوز این منطقه با چالش‌های امنیتی جدی مواجه می‌باشد (Hashemi, 2011: 139). از همین رو در این مقاله تلاش شده با توجه به تجارب جهانی از جنگ‌های متعدد و اثرات آنها در زندگی بشر به رویکردی حقوقی دست یافت تا با اتکا به آن در صورت احتمال وقوع جنگی دیگر در منطقه یا در هر نقطه از جهان از ورود خسارات جبران‌ناپذیر به محیط زیست به‌نحو چشمگیر کاست.

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و بر مطالعات کتابخانه‌ای منطبق بر اصول و روش‌های حقوقی، استخراج منابع از اسناد بین‌المللی، استنتاج و تحلیل حقوقی آنها در حوزه مناقشات بین‌المللی بویژه منطقه‌ای استوار می‌باشد، که امکان نتیجه‌گیری در حوزه خلیج فارس را ممکن و میسر می‌سازد.

۳- محیط‌شناسی تحقیق

خلیج فارس به‌عنوان یک محدوده ارزشمند اکولوژیکی، از یک سو به سبب برخورداری از ذخایر عظیم انرژی محل تردد شناورها و نفت‌کش‌های عظیم بوده و از سوی دیگر به سبب آنکه دریای نیمه بسته می‌باشد، حرکت توده‌های آب در آن ضعیف و در خلاف جهت عقربه‌های ساعت می‌باشد، در نتیجه زمان طولانی نیاز است تا آبهای خلیج فارس از طریق تنگه هرمز تعویض شود. این زمان حدود ۳ الی ۵ سال بر آورد شده است. از همین رو هر نوع آلودگی و تخریب در آن تشدید می‌گردد، چنانچه عبور سالیانه ۴۰ هزار شناور از خلیج فارس و تنگه هرمز که قریب به ۳۰ درصد حجم ترافیک نفتکش‌های جهان می‌باشد (www.form.pacyrus.com/showthread.php?t=5124,p.1)، سبب شده آلودگی در آن ۴۰ برابر سایر دریاها باشد. در این راستا سازمان بین‌المللی دریانوردی^۱ در سال ۲۰۰۷ این منطقه را منطقه ویژه دریایی اعلام نمود (www.ravy.ir/context2341328.html,pp.1-2). همچنین خلیج فارس از یک طرف به سبب موقعیت ژئوپلیتیک که آمیزه‌ای از شرایط ناپایدار منطقه‌ای و از طرف دیگر به دلیل نیاز جامعه جهانی به ذخایر نفت و گاز منطقه، همواره در معرض بحران‌ها و تهدیدات جدی از جمله جنگ بوده است.

۱-۳- موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس دریایی است با عمق کم از آبهای گرم و شور به وسعت حدود ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع که بین ایران و شبه جزیره عربستان واقع گردیده است (نقشه شماره ۱) و با دریای عمان به وسیله تنگه هرمز مربوط می‌باشد (Ettehad, 2007: 44). خلیج فارس حاصل پیشرفتگی آب اقیانوس هند در ناحیه جنوبی فلات ایران می‌باشد، با طول تقریبی ۱۰۰۰ کیلومتر، عرض ۲۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر و با عمق ۱۰۰-۹۰ متر است، حداکثر ارتفاع امواج ۳ متر و حجم آب ۱۰×۱۳ متر مکعب می‌باشد (www.form.pacyrus.com/showthread.php?t=5124,p.1). عمق خلیج فارس در تمام مناطق یکسان نیست، چنانچه در قسمت شمالی به واسطه رسوب و آبرفت رودخانه‌هایی که به آن می‌ریزند سواحل ایران عمق کمی دارد و در قسمت مرکزی، عمیق‌ترین گودی از ۴۰ تا ۵۰ متر تجاوز نمی‌کند و عمیق‌ترین عمق آن در ۱۵ کیلومتری تنب بزرگ قرار دارد که ۹۳ متر است و به طور کلی بخش‌های شرقی آن عمیق‌تر می‌باشد (Ettehad, 2007: 45).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی خلیج فارس



۲-۳- موقعیت استراتژیک

خلیج فارس از یک سو به دلیل برخورداری از محیط دریایی قابل کشتیرانی از منظر نقش مرکزی که در عرصه حمل و نقل منطقه‌ای بازی می‌کند و از سوی دیگر به سبب بهره‌مندی از منابع عظیم نفت، گاز، ذخایر زیرزمینی و دریایی از نظر اقتصادی از دیر باز مورد توجه بوده است. ضروری است به این موارد، قرارگیری در منطقه چالش‌برانگیز خاورمیانه و قلب زمین که بخشی از منطقه استراتژیک وسیع‌تری که شامل منطقه اقیانوس هند و کشورهای حاشیه آن و کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی، افغانستان، پاکستان و ترکیه می‌شود، اضافه نمود (www.aftab.com/articles/view/politics/world). همچنین باید جمعیت حدود ۱۰۰ میلیون نفری حوزه خلیج فارس را به‌عنوان بازار مصرف پرسود برای کشورهای صنعتی در راستای جذب دلارهای نفتی مد نظر قرار داد. از همین رو منطقه خلیج فارس از اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی در جهان برخوردار است. این تصویر ژئواستراتژیک با خطوط ارتباط دریایی که از منطقه می‌گذرد و وجود پایگاه‌های نظامی قدرت‌های بزرگ در منطقه کامل‌تر می‌شود (Ettehad, 2007: 4).

در میان تمام مواردی که برشمرده شد، اهمیت ویژه خلیج فارس در جهان امروز به سبب منابع عظیم انرژی آن می‌باشد. از همین رو خلیج فارس همواره یکی از مهمترین مناطق استراتژیکی جهان در صحنه برخوردهای بین‌المللی ابرقدرت‌ها بوده و هست (Bakhtiari Asl, 1997: 57)، از سوی دیگر قرار گرفتن بین دو گستره ژئواستراتژیک غرب و شرق به آن اهمیت زیادی در چرخه جهانی قدرت بخشیده است (Ghasemi, 2010: 66).

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- تأثیرات زیست محیطی جنگ دوم خلیج فارس

جنگ دوم خلیج فارس نقطه عطفی بود که حساسیت عمومی و جهانی در مورد محیط زیست ایجاد نمود، چرا که جنگ دوم خلیج فارس اولین جنگی بود که می‌شد رنج جانوران مصدوم را با چشم خود دید و لمس کرد. تلفات این جنگ عبارت بود از: هزاران پرنده دریایی،

پرنندگان مهاجر، چهارپایان و حیوانات اهلی، پستانداران آبی و سایر آبی‌ها که هیچ نقشی در این درگیری نداشتند اما تلف و مصدوم شدند و یا در معرض خطر قرار گرفتند.

آلودگی خلیج فارس پس از جنگ دوم خلیج فارس، علاوه بر آنکه ناشی از ظرفیت پائین خودپالایی آن بود، به سبب نشت نفت و دودهای متصاعد شده (نقشه شماره ۲) و از به آتش کشیدن چاه‌های نفت کویت نیز بود که در نهایت منجر به ریزش باران‌های اسیدی شد و اثرات تخریبی فراوانی در محیط زیست منطقه بر جای گذاشت. علاوه بر اینکه استنشاق دود حاصل از آتش سوزی چاه‌های نفت برای انسان و جانوران سمی و مضر بود، به سبب ایجاد اختلال در رسیدن نور خورشید و اشعه ماوراء بنفش به سطح زمین موجب تأثیر منفی بر رشد گیاهی و چرخه تولید مثل موجودات دریایی گردید (www.form.pacyrus.com/showthread.php). از همین رو می‌توان جنگ مزبور را در تضاد با امنیت زیست محیطی، با مفهوم حفاظت از محیط‌های طبیعی برای رفع نیازهای جامعه به‌گونه‌ای که به ذخایر طبیعی آن آسیب نرسد، دانست (Kaviani Rad, 2011: 88).

نقشه شماره ۲: پراکنش دودهای سیاه متصاعد شده از آتش سوزی چاه‌های نفت کویت در منطقه

خلیج فارس در فوریه ۱۹۹۱

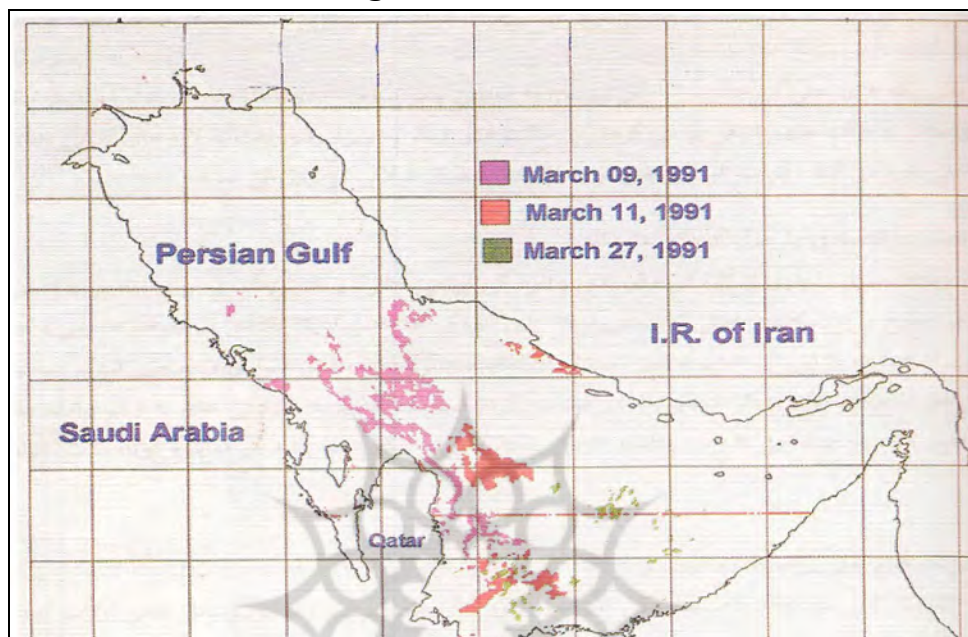


Source: Ettehad, 2007: 55

در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۱ دولت عراق شیر تانکرها و چاه‌های نفتی مستقر در کویت را باز نمود

و باعث بزرگترین آلودگی گردید. فوران نفت خام تا می ۱۹۹۱ ادامه پیدا نمود و از همان ابتدا باعث ایجاد آلودگی وسیع (در حدود ۴۰۰ مایل از سواحل کویت و عربستان گردید) و موجب از بین رفتن بسیاری از موجودات و محیط زیست طبیعی آنها شد. نیروهای عراق چند ماه قبل از بروز فاجعه یعنی در دسامبر ۱۹۹۰ یک حوزه کوچک نفتی کویت را که دارای ۶ حلقه چاه نفتی بود به طور آزمایشی به آتش کشیدند تا بهترین روش جهت از بین بردن پایانه‌ها و چاه‌های نفتی را به طور آزمایشی تجربه نمایند. بعد از آن عراق در هنگام بروز جنگ زمینی به طور گسترده‌ای شروع به از بین بردن و آتش زدن چاه‌های نفتی نموده و بدین طریق از تجربیات قبلی خود به طور احسن استفاده نمود. این امر باعث شد ۷۳۲ حلقه چاه تخریب شده و به طور غیرقابل کنترل نفت خود را از دست بدهند. ۶۵۰ حلقه از این چاه‌ها در آتش سوختند و باعث بروز آلودگی وسیعی در اتمسفر شدند. ۸۲ حلقه باقی مانده که از آتش در امان مانده بودند نفت خود را به داخل خلیج فارس تخلیه کرده و تا ۶ نوامبر ۱۹۹۱ که آخرین حلقه چاه مهار شد، باعث آلودگی نفتی وسیعی در منطقه گردیدند (نقشه شماره ۳). کارشناسان چنین تخمین می‌زدند که در طول زمان فوران چاه‌های نفتی در حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه نفت خام وارد آب‌های خلیج فارس شده که یا در مناطق ساحلی تجزیه و در بدنه آبی مخلوط شدند و یا در بستر (بویژه در مناطق ساحلی عربستان و کویت) رسوب کرده‌اند.

نقشه شماره ۳: پراکنش لکه‌های نفتی در خلیج فارس در مارس ۱۹۹۱



Source: Ettehad, 2007: 47

علاوه بر اینها تخریب و انهدام تعداد زیادی نفت‌کش و تأسیسات نفتی کوچک‌تر متعلق به عراق و کویت در حین جنگ خلیج فارس باعث آلودگی بیشتر منطقه در بهار و تابستان سال ۱۹۹۰ گردید که کارشناسان میزان آن را چند صد هزار بشکه تخمین می‌زنند. حرکت لکه‌های نفتی سبب گردید آلودگی در سطح آب افزایش یافته و باعث آلودگی وسیعی در سواحل منطقه شود. شایان ذکر است که مناطق ساحلی کویت اکثراً خود از این آلودگی در امان ماندند، زیرا جریان‌های آبی و باد باعث انتقال لکه‌های نفتی به مناطق دور از ساحل و بیشتر به سمت سواحل عربستان سعودی شدند.

بیشترین تأثیرات آلودگی بر روی منطقه زیستی علف‌های دریایی، مانداب‌های کنار ساحل که محل زیست لارو بسیاری از موجودات آبی مانند میگوها و نیز منطقه زیست لاک‌پشت‌های دریایی می‌باشند، بوده است. همچنین صخره‌های مرجانی واقع در جنوب خلیج فارس که محل زیست بسیاری از آبزیان می‌باشد، از متاثرترین مناطق برآورده شده‌اند. از نتیجه

آزمایشات چنین ارزیابی شد که میزان صدمات وارده بر لارو میگوها و آبزیان دیگر در مناطق آلوده در ۵ روز اول شروع آلودگی بسیار بیشتر از روزهای دیگر بوده است. اگرچه اثرات مستقیم این آلودگی با گذشت زمان از بین رفت ولی ورود مواد سمی هیدروکربنه در زنجیره غذایی موجودات باعث تأثیرات شدید بعدی در جوامع گیاهی و جانوری خلیج فارس و بعضاً دریای عمان گردید.

جهت تخمین و برآورد میزان خسارت وارده بر روی محیط زیست دریایی در اثر حادثه چاه‌های نفتی کویت ROPME^۱ یک فروند کشتی تحقیقاتی متعلق به NOAA^۲ را به کار گرفت و مأموریت این کشتی طی ۱۰۰ روز گشت دریایی در شش مرحله انجام شد. بعد از تخمین اولیه مبنی بر اینکه ۱۱ میلیون بشکه نفت در خلیج فارس نشت نموده است، اکنون به نظر می‌رسد که این رقم نصف تا دو سوم مقدار اصلی بوده باشد. در نهایت نیز هیچگاه جماعی در خصوص میزان نشت نفت صورت نپذیرفت. با این حال با توجه به وسعت سطح آلودگی و تعدادی از عوامل دیگر شاید بتوان آن را بزرگتر از فاجعه نفتی خلیج مکزیک در سال ۱۹۷۹ به‌شمار آورد (Ettehad, 2007: 47)، چنانچه وسعت تقریبی این لکه نفتی حدود ۱۶۰ کیلومتر طول و ۲۲ کیلومتر عرض برآورد می‌شود (www.aa-
(mahmoodian.com/Papers/Persian_Gulf_pollution.htm, pp.2-3

۲-۴- مروری بر قواعد حقوق بین‌الملل در تبیین رابطه متقابل حقوق محیط زیست و حقوق مخاصمات مسلحانه

شرایط ناپایدار اثرگذار بر محیط زیست تنها کره مسکون انسان، صرف‌نظر از فعالیت‌های توسعه‌ای در زمان صلح، بسیار متأثر از مخاصمات مسلحانه و یا شرایطی نزدیک به جنگ بوده است. گرچه کم نیستند قواعد حقوقی که ناظر بر حفاظت و حمایت از محیط زیست در زمان صلح باشند و حتی برخی از این قواعد اعم از قواعد حقوقی الزام‌آور و یا قواعد حقوقی

1- Reginal Organization for the Protection of the Marine Environment (ROPME)

2- National Oceanic and Atmospheric Administration

غیرالزام‌آور به ضرورت اجتناب از آسیب‌های زیست محیطی در زمان جنگ پرداخته‌اند، ولی آنچه نیاز مبرم جامعه بین‌الملل است، دستیابی به یک اجماع جهانی و همگرایی در جهت حمایت از محیط زیست هنگام مخاصمات مسلحانه می‌باشد. از موارد قابل توجه و استناد در این رهگذر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۲-۴- الزامات بین‌المللی^۱

معاهدات با توجه به کنوانسیون حقوق معاهدات بین‌المللی (۱۹۶۹) در قالب توافق منعقدہ کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین‌الملل و منطبق بر مقررات حقوق بین‌الملل به‌عنوان مهمترین منبع حقوق بین‌الملل مورد توجه می‌باشد (Moussazadeh, 2005: 35 & 196)، اما بخش قراردادی نظام حقوقی، تنها برای کشورهای عضو قابلیت اجرایی دارد، ولو آنکه کنوانسیون جهانی باشد، مگر آنکه به سبب اهمیت موضوع در قالب یک قاعده عرفی یا قاعده آمره در سطح جامعه جهانی مطرح باشد که خوشبختانه امروزه مباحث جاری حفاظت از محیط زیست را بر اساس نظر قضات دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ عمدتاً می‌توان در این زمره قرار داد (Austin and Bruch, 2000: 203-204 & 207). معاهدات زیست محیطی ناظر بر شرایط صلح غالباً دربردارنده هنجارهای پذیرفته شده مبتنی بر قواعد آمره با اثرات ارگا اومنس است که بدون شک برای کشورهای درگیر در جنگ نیز الزام‌آور می‌باشند (Hulme and York, 2004: 141). در خصوص معاهداتی که حفاظت محیط زیست در شرایط جنگ را در مفاد خود به‌طور مستقیم و تلویحی مورد توجه قرار داده‌اند، می‌توان به موارد ذیل به‌ترتیب زمانی اشاره نمود:

ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه در رابطه با قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (۱۹۰۷) اشعار می‌دارد: «حق طرفین متخاصم در اتخاذ روش‌های آسیب‌رسانی به دشمن نامحدود نیست» (Convention IV Hague, 1907). ماده مذکور هرچند به صراحت حفاظت از محیط

1- Hard Law

2- International Court of Justice (I.C.J)

زیست را در شرایط جنگ مد نظر قرار نداده که به سبب سال تدوین آن نیز انتظاری جز این وجود ندارد، ولی به طور کلی با نامحدود دانستن اقدامات طرفین متخاصم، می‌توان آن را به نوعی در راستای حفاظت از محیط زیست دانست. در زمان وقوع جنگ دوم خلیج فارس، متأسفانه این ماده مورد توجه قرار نگرفت و دولت عراق از تمام توان خود برای تخریب استفاده کرد. از این ماده می‌توان به عنوان سنگ بنای حقوق مخاصمات مسلحانه نام برد.

بند ۲ ماده ۶ اساسنامه دادگاه نظامی نورنبرگ (۱۹۴۵)، «به ارتکاب جرائم جنگی، به تخریب غیر ضروری اموال، مناطق گوناگون شهری و غیر آن اشاره دارد» (Charter of the Nuremberg, 1945)، که این مفهوم نیز هم چون مورد قبل در زمان جنگ دوم خلیج فارس مورد بی‌توجهی قرار گرفت و دولت متخاصم دقیقاً در جهت مخالف مفاد اساسنامه نورنبرگ حرکت نمود.

در ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹) نیز آمده است: «انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که انفراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص، دولت، شرکت‌های عمومی، سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی باشد، توسط کشور اشغال کننده ممنوع است، مگر در مواردی که انهدام آنها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد» (Convention IV Geneva, 1949). آنچه محرز می‌باشد این مطلب است که دولت عراق در خلال جنگ دوم خلیج فارس بدون آنکه ضرورت نظامی ایجاب نماید در راستای ایجاد تخریب و آلودگی اقدام نمود. همچنین می‌بایست به این موضوع توجه نمود که کنوانسیون فوق‌الاشاره از قواعد اصلی مخاصمات مسلحانه می‌باشد که متأسفانه شاهد آن بودیم که از ناحیه دولت عراق مورد بی‌توجهی قرار گرفت و از سوی سایر دول نیز حرکتی در راستای تحقق مفاد آن صورت نپذیرفت.

پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (۱۹۷۷) به این مهم چنین پرداخته است: بند ۳ ماده ۳۵ بیان می‌دارد: «استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و دراز مدت بر محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال برود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است».

در بند ۱ ماده ۵۵ تأکید می‌شود: «در هنگام جنگ باید مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، درازمدت و شدید حفاظت به عمل آید».

در بند ۲ ماده ۵۵ مطرح می‌گردد: «حمله به محیط زیست طبیعی به‌عنوان اقدام تلافی‌جویانه ممنوع است» (Protocol Additional to the Geneva Conventions, 1977).

پروتکل الحاقی را می‌توان آخرین تدوین جامع حقوق مخاصمات مسلحانه دانست که صراحتاً حفاظت از محیط زیست را مد نظر قرار داده است، ولی متأسفانه در خلال جنگ دوم خلیج فارس این سند حقوقی نیز مورد توجه قرار نگرفت و دقیقاً در تضاد با مفاد آن، دولت عراق از روش‌ها و ابزارهای مخرب محیط زیست با اثرات گسترده، شدید و درازمدت استفاده نمود که علاوه بر دولت کویت سایر دولتهای منطقه و کل محیط زیست خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد. جامعه جهانی نیز در این خصوص هیچ تلاشی ننمود.

طبق کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا هر نوع استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر دهنده محیط زیست (ENMOD, 1997):

کشورهای عضو در ماده ۱ متعهد می‌گردند: «تا در هیچ کاربری نظامی یا خصمانه که مستلزم استفاده از تکنیک‌های تغییر دهنده محیط زیست باشد و موجب آسیب گسترده، پایدار و شدید به آن گردد، شرکت نکنند».

در بند دوم ماده فوق‌الذکر، آنها همچنین ملزم می‌شوند تا از کمک‌رسانی، تشویق یا تحریک دیگر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی در انجام چنین اعمالی خودداری ورزند.

در ماده ۲ کنوانسیون نیز تکنیک‌های تغییر دهنده محیط چنین تعریف شده است: هرگونه تغییر در ساختار و ترکیبات کره زمین اعم از زیست کره، سنگ کره، آب کره، هواکره و فضای خارج از جو (ENMOD, 1977).

کنوانسیون ENMOD را می‌بایست تنها کنوانسیون بین‌المللی زیست محیطی دانست که بر خلاف تمام کنوانسیون‌های زیست محیطی که ناظر بر شرایط صلح می‌باشند، بر حفاظت محیط زیست در شرایط جنگ تأکید می‌نماید، هرچند که در نص خود به‌عنوان یک کنوانسیون

زیست محیطی دارای ابهاماتی در مفاهیم آسیب گسترده، پایدار و شدید بوده و در خصوص این مهم جامع و مانع نمی‌باشد. ولی نکته جالب توجه این است که در زمان جنگ دوم خلیج فارس همین قواعد نیز اگر مورد توجه قرار می‌گرفت، می‌توانست از وقوع بسیاری از مشکلات زیست محیطی با اثرات گسترده، پایدار و شدید در خلال جنگ دوم جلوگیری نماید.

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم)^۱ (۱۹۹۸)

پ (۴) از بند (۲) ماده ۸ از اساسنامه رم در توصیف شخص مجرم بیان می‌دارد: «انجام عمدی حمله با علم به اینکه این حمله باعث تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اموال غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است...».

همچنین اساسنامه مذکور در ماده ۵ خود به معرفی جرائم تحت صلاحیت دیوان پرداخته و بیان می‌دارد: «صلاحیت دیوان محدود و منحصر به جدی‌ترین جرایم مربوط به جامعه بین‌الملل می‌باشد و شامل: کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جرم تجاوز است» (Rome Statute, 1998).

در خصوص اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، سه نکته حائز اهمیت است: اولاً که این اساسنامه پس از جنگ دوم خلیج فارس تدوین گردیده و لذا اگر مورد اشاره قرار گرفته از آن روست که در صورت وقوع جنگ سومی در منطقه تا چه میزان می‌تواند بر روش‌ها و اعمال دولت‌های درگیر در مخاصمه تأثیرگذار باشد. ثانیاً ماده ۸ اساسنامه فوق‌الاشاره نقض جدی کنوانسیونهای چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) را به‌عنوان جنایات جنگی شناخته که یکی از مفاد کنوانسیونهای مذکور، تخریب گسترده و نابودی اموالی که از نظر نظامی ضرورت آنها قابل توجیه نبوده و خودسرانه و غیرقانونی صورت پذیرد، می‌باشد، که بسیار حائز اهمیت می‌باشد،

1 - International Criminal Court (ICC)

چرا که امروزه عدم اقدام به جنایات جنگی علاوه بر تعهدات معاهداتی و عرف بین‌الملل به‌عنوان قاعده آمره دربردارنده اثرات ارگا اومنس نیز، مورد پذیرش جامعه جهانی می‌باشد و تخطی از آن به‌عنوان تعهدات دولتها قابل قبول نبوده و واکنش جهانی را به همراه دارد. ثالثاً مفاد اساسنامه برای اولین بار در قالب یک قاعده حقوقی بین‌المللی و الزام‌آور مسئولیت افراد را در خلال جنگ مورد توجه قرار داده است. از همین رو وجود دیوان بین‌المللی کیفری را باید بیانگر ظهور کم سابقه تکلیف و تعهد افراد دانست (Secretariat of the National (Committee for Humanitarian Law, 2004: 63)، که خود می‌تواند در ممانعت از رفتارهای غیر ضروری مخرب محیط زیست در شرایط جنگ نقش به‌سزایی داشته باشد. چنانچه پیش‌بینی می‌شود اگر جنگی احتمالی در منطقه خلیج فارس روی دهد بر خلاف جنگ دوم خلیج فارس، این بار حاکمان و فرماندهان نظامی رفتار ۱۹۹۱ سال را در قبال محیط زیست منطقه تکرار نمایند، چرا که تبعات آن برای ایشان مطلوب نمی‌باشد و چه بسا اگر اساسنامه مزبور قبل از وقوع جنگ دوم خلیج فارس تصویب شده بود می‌توانست از بروز خسارات زیست محیطی تا حد زیادی ممانعت به‌عمل آورد.

۲-۲-۴- قواعد غیرالزام‌آور

می‌توان برخی بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها را که در زمره قواعد غیرالزام‌آور^۱ قرار می‌گیرند، از آنجا که مبین رویکرد دولتها و امضاء شده توسط نمایندگان تام‌الاختیار آنها می‌باشد و با گذشت زمان مورد اجماع جهانی واقع می‌شوند، حاکی از یک قاعده عرفی دانست. از آنجا که متخصصان حقوق بین‌الملل، حقوق عرفی را به‌عنوان اولین منبع تبیین مسئولیت دولتها به سبب رفتار و طرز عمل دولتها (عنصر مادی) و الزام دولتها به انجام آن (عنصر معنوی) انتخاب نموده‌اند، از همین رو فرض بر این است که عرف بین‌المللی به‌عنوان نقطه آغازین حرکت و در واقع پذیرش عملکردهای خاص دولتها در یک نظام ضمنی و غیرصریح است (Habibi, 2004: 521). اصول زیست محیطی برخی بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها در خلال

زمانی نه چندان طولانی به سبب اهمیت موضوع تبدیل به عرف بین‌المللی شدند و بعضاً نیز در جایگاه قواعد آمره قرار گرفتند. از این میان قواعد غیرالزام‌آور می‌توان از موارد ذیل در جهت ضرورت حفاظت محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بهره برد:

اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) تأکید می‌نماید: «تنها هدف قانونی که کشورها باید برای نیل به آن در طول جنگ تلاش نمایند، تضعیف نیروی دشمن است» (Declaration of St. Petersburg, 1868).

اصل ۲۶ بیانیه استکهلم (۱۹۷۲) بیان می‌کند: «انسان و محیط زیست او باید از تأثیر سلاح‌های هسته‌ای و دیگر ابزار کشتار جمعی مصون باشد. دولتها باید در خصوص این مهم بکوشند» (Stockholm Declaration, 1972).

بند ۵ منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲) اشعار می‌دارد: «طبیعت باید در برابر تنزل و تخریب متأثر از جنگ یا دیگر اعمال خصمانه ایمن گردد» (World Charter for Nature, 1982).

بیانیه ریو (در مورد توسعه و محیط زیست) (۱۹۹۲) ضرورت حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ چنین مورد توجه قرار گرفته است:

- اصل ۲۴ مقرر می‌دارد: «جنگ ذاتاً نابود کننده توسعه مستمر است. بنابراین، دولتها باید قوانین بین‌المللی حفاظت از محیط زیست را به هنگام درگیری‌های مسلحانه رعایت کنند و به آنها احترام گذارند و در صورت لزوم برای ارتقاء و توسعه آن همکاری کنند».

- در اصل ۲۵ نیز تأکید می‌شود: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست به یکدیگر وابسته‌اند و نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا نمود» (Rio Declaration, 1992).

قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد: قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل از دو منظر حائز اهمیت می‌باشند، اول آنکه تصمیمات سازمان ملل برای جامعه جهانی فارغ از لازم‌الاجرا بودن یا نبودن آنها معتبر می‌باشد و دوم آنکه قطعنامه‌های سازمان ملل منشاء شکل‌گیری قواعد آمره می‌باشند (Ziaee Bigdeli, 2004: 163-165). در ادامه به دو قطعنامه مهم مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص حفاظت محیط در خلال مخاصمات مسلحانه اشاره می‌شود:

قطعنامه شماره ۴۷/۳۷ مصوب مجمع عمومی (۱۹۹۲): اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل است که به‌طور ویژه به مسئله حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. بند ۵ مقدمه قطعنامه مذکور بیان می‌دارد: «تخریب بی‌جهت محیط زیست بدون ضرورت نظامی موجه، آشکارا با حقوق بین‌الملل موضوعه در تعارض است» (Resolution 47/37 of general assembly, 1992).

بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که قطعنامه مذکور امروزه در میان دولتها به‌صورت عرف بین‌المللی و بعضاً قاعده آمره پذیرفته شده است. لذا اگر در درگیری‌های نظامی که احتمالاً در آینده به‌وقوع خواهند پیوست تنها همین قاعده مورد توجه قرار گیرد ما شاهد بسیاری از فجایع زیست محیطی نخواهیم بود. لازم به ذکر است که این قطعنامه پس از جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) با هدف ممانعت از خسارتی که در آن زمان توسط دولت عراق به محیط زیست منطقه تحمیل گردید، تدوین گردیده است.

قطعنامه شماره ۵۶/۴ مصوب مجمع عمومی (۲۰۰۱): «خسارت به محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه تا مدتها پس از پایان درگیری‌ها به اکوسیستم و منابع طبیعی آسیب می‌رساند و این آسیب‌ها گاهی از حدود یک سرزمین و نسل حاضر فراتر می‌رود». همچنین در این قطعنامه روز ۶ نوامبر هر سال «روز جهانی پیشگیری از استعمار محیط زیست در مخاصمات مسلحانه» نامیده شده است (Resolution 56/4 of General Assembly, 2001).

در خصوص قطعنامه فوق‌الاشاره باید گفت اعلام یک روز جهانی برای حمایت از محیط زیست در خلال جنگ، با برگزاری مراسم سالانه آن در کشورهای مختلف، انتظار می‌رود حساسیت کافی در مورد این مهم ایجاد گردد. نکته دیگر که باید به آن توجه ویژه شود، عدم تخریب غیرضروری محیط زیست در خلال جنگ‌ها با توجه به اثرات بلندمدت آسیب‌ها می‌باشد. چرا که جنگ‌ها پایان می‌یابند ولی اثرات آنها تا سالها باقی است و این مسئله در تضاد با الزام دولتها به حفاظت محیط زیست برای بهره‌مندی از محیط زیست سالم به‌عنوان قاعده‌ای از نسل سوم حقوق بشر می‌باشد. این قاعده به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان، امروزه یک قاعده

آمره با اثر ارگا اومنس می‌باشد.

بند ۱۹ بیانیه ژوهانسبورگ (مروری ده ساله بر تصمیمات ریو) (۲۰۰۲) بیان می‌کند: «ما یکبار دیگر به تعهد خود در خصوص توجه ویژه به مبارزه با شرایط جهانی که به‌عنوان تهدیدی علیه توسعه پایدار مردمانمان می‌باشد، از جمله ... و مخاصمانه مسلحانه تأکید می‌کنیم» (Johannesburg Declaration, 2002).

در جمع بندی مطالب فوق می‌توان گفت: هرچند تبدیل قواعد غیرالزام‌آور به قواعد عرفی به سبب فراگیر و الزام‌آور بودن آن نقطه قوت است، ولی از سویی دیگر ایراد عمده‌ای که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، مبهم بودن این قواعد است. به‌عبارت دیگر، از آنجا که قوانین عرفی، نانوشته و غیرمدون هستند، می‌توان تفسیرهای متفاوتی از آنها نمود، مگر آنکه این قواعد در قالب قواعد آمره با اثر ارگا اومنس مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گیرند.

۵- تجزیه و تحلیل

با توجه به اینکه شدت و وسعت آلودگی و تخریب محیط زیست و اثرات مخرب طولانی مدت عملیات جنگی بر محیط زیست، اعم از اینکه اکوسیستم و منابع طبیعی هدف عملیات جنگی باشند یا وسیله و طریقی برای برتری نظامی، موجبات نابودی بسیاری از زیستگاهها و منابع حیاتی کره زمین را فراهم کرده است. لذا این ظرفیت حقوقی و پذیرش عمومی برای جامعه جهانی فراهم شده است که دولت‌ها در آینده‌ای نه‌چندان دور حفاظت از محیط زیست در برابر خسارات وارده ناشی از جنگ یا در زمان جنگ را در پرتو ماده ۵۳ کنوانسیون وین (۱۹۶۹) به‌صورت یک قاعده آمره بپذیرند (Moussazadeh, 2005: 35 & 196). قواعد آمره دربردارنده اثرات ارگا اومنس به‌معنای تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها در قبال جامعه جهانی جهت حمایت و ارتقای ارزش‌های اساسی و منافع مشترک جامعه جهانی می‌باشند و تخطی از آنها اعتراض جامعه جهانی را در پی دارد. لازم به ذکر است که پذیرش قواعد آمره به اراده دولت‌ها بستگی نداشته و الزامات آن بر رفتار حقوقی کلیه دولت‌ها حاکمیت دارد (Ziaee Bigdeli, 2004: 163-165). امروزه غالب حقوقدانان بر این باور هستند که ضرورت حفاظت از محیط

زیست در مخاصمات مسلحانه به سبب باور جامعه جهانی به لزوم آن و از آنجا که تحقق آن غیر از اراده کشورها، همکاری آنها را نیز طلب می‌کند، به‌عنوان یک قاعده آمره و تعهدی بین‌المللی با اثرات ارگا اومنس مطرح می‌باشد. بسیاری از معاهدات در بردارنده هنجارهای پذیرفته شده‌اند که دارای تأثیر ارگا اومنس می‌باشند که بدون شک برای کلیه کشورها اعم از دول عضو یا غیرعضو لازم‌الاجرا می‌باشند که در این میان می‌توان از معاهداتی چون پروتکل اول ژنو، ENMOD و نیز قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سالهای ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نام برد.

این استدلال نیز از آنجا نشأت می‌گیرد که در تصمیم‌گیری دیوان بین‌المللی دادگستری در بارسلون در خصوص تعهدات ارگا اومنس، دیوان به قواعد حفاظت از محیط زیست اشاره نمود. مفسران نیز استدلال نمودند در مواردی که تخریب و آلودگی در محیط زیست به‌حدی گسترده باشد که جامعه جهانی را تهدید نماید، تعهدات دولتها در خصوص ممنوعیت آسیب گسترده به محیط زیست قاعده آمره با اثر ارگا اومنس می‌باشد (Austin and Bruch, 2000: 203-204 & 207).

لازم به ذکر است که بر حسب ضرورت‌ها و نیازهایی که با گذشت زمان در جامعه جهانی ایجاد می‌گردد، قواعد قراردادی و عرفی الزام‌آوری بیشتری یافته و از میان آنها قواعد آمره شکل می‌گیرند و به همان نسبت که دارای الزام‌آوری بیشتری می‌باشند، تخطی از آنها نیز عکس‌العمل شدیدتری را در پی داشته و ما شاهد واکنش جامعه جهانی و اقدامات عملی در برابر نقض قواعد آمره می‌باشیم.

وقوع جنگ در مناطق مختلف جهان امری محتمل است و شاید بتوان آن را ناشی از شکافی دانست میان تحول فیزیکی جامعه بین‌الملل که محصول پیشرفت علم و تکنولوژی است (از جمله دستیابی به جنگ افزارهای مدرن با اثرات تخریبی شدیدتر) و عدم تکامل و توسعه معنوی که معلول کم‌توجهی بعضی دولتها به مسائل انسانی و بشردوستانه است که خود منجر به کاهش کارایی سیستمی می‌گردد که رویای تدوین‌کنندگان منشور سازمان ملل متحد است و می‌بایست نقشی اساسی را در استقرار صلح و تأمین امنیت بین‌المللی ایفا

نماید (Molae, 1994: 107). از همین رو در منطقه‌ای چون خلیج فارس که به سبب شرایط ژئوپلیتیک در منطقه چالش برانگیز خاورمیانه و قلب زمین قرار دارد وقوع هر از چندگاه یک جنگ دور از ذهن نمی‌باشد (www.aftab.com/articles/view/politics/world). بویژه اگر شرایط دیگری از قبیل: سیاست‌های جهانی برای کنترل صدور نفت، درآمد سرانه بالا، تولیدات صنعتی محدود، مصرف‌گرایی شدید که بازار مناسبی برای جذب محصولات و مصنوعات کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی می‌باشد و موجب بروز شرایط رقابتی بسیار فشرده و بعضاً غیرمتعارف میان کشورهای صادر کننده می‌گردد و بالاخره بحران‌های انرژی در نظر گرفته شود، چنین احتمالی بیشتر می‌گردد.

جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) دارای پیامدهای گوناگون و ابعاد وسیع آلودگی و خسارات زیست محیطی بود که بعضاً نیز غیرقابل جبران بودند و اثراتش همچنان در منطقه باقی می‌باشد. گسترش آن نیز به حدی وسیع بود که می‌توان گفت کمتر منطقه‌ای در جهان با چنین ابعادی در ویرانی محیط زیست مواجهه بوده است (www.aa-
(mahmoodian.com/Papers/Persian_Gulf_pollution.htm, pp.2-3).

حقوق مخاصمات مسلحانه به دنبال آن است تا حقوق و وظایف متخصصان را تنظیم و قانونمند کند و از آنجا که می‌داند جنگ صرف‌نظر از دلیل آن، همواره اتفاق می‌افتد، بنابراین سعی دارد محدودیت‌هایی را بر نحوه جنگیدن اعمال نماید. با این هدف که تا حد امکان از اثرات جنگ از جمله در حوزه محیط زیست بکاهد. حقوق جنگ در تلاش برای رسیدن به این مهم باید میان الزامات کشورها برای انجام عملیات نظامی مؤثر و حقوق بشردوستانه توازنی ایجاد نماید (Secretariat of the National Committee for Humanitarian Law, 2004: 45).

از ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه (۱۹۰۷) می‌توان به عنوان زیربنای حقوق مخاصمات مسلحانه نام برد که حق متخصصین را در به‌کارگیری ابزارهای آسیب‌زننده به دشمن نامحدود نمی‌داند (Center of Naval Warfare Studies, 2000: 46-119)، و در قالب قاعده آمره با اثر جهانشمول به رعایت دو معیار تناسب و ضرورت آسیب به دشمن در زمان جنگ تأکید

دارد (Linderfalk, 2008: 865). برخی در تفسیر دقیق‌تری از ماده ۲۲ بیان می‌کنند در حقوق جنگ (Jus in bello) و در زمان اقدام به جنگ (Jus ad bellum) باید چهار اصل عرفی رعایت شود به قرار: اصول تشخیص، تناسب، ضرورت و انسانیت. اصل تشخیص تأکید دارد بر تاکتیک‌های تشخیص میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اصل تناسب نیز بر اساس ارزش فعالیت نظامی طرف متخاصم در تناسب با هدف نظامی می‌باشد، اصل ضرورت نیز بیانگر این مسئله است که در آسیب به اهداف غیرنظامی می‌بایستی ضرورتی وجود داشته باشد و منافعی بر آسیب‌های وارده بیشتر باشد و نهایتاً بر اساس اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌بایستی از تسلیحات و تاکتیک‌هایی بهره برد که صدمات و رنج غیرضروری به قربانیان و محیط زیست وارد نیاورد. لازم به ذکر است که امروزه این اصول از عرف بین‌الملل فراتر رفته و با توجه به تجربیات تلخ بشر از مخاصمات مسلحانه و اثرات آن به‌عنوان قواعد آمره (Jus cogens) با اثر ارگا اومنس در سطح جامعه جهانی مطرح می‌باشند (Center of Naval Warfare Studies, 2000: 46-119).

علاوه بر موارد بالا مبنی بر وقوع تردیدناپذیر جنگ‌ها و آسیب‌های آن و هدف حقوق مخاصمات مسلحانه برای کاهش این اثرات، اگر این مسئله را مورد توجه قرار دهیم که آسیب به اجزای محیط زیست عمدتاً پایدار می‌باشد و تبعات آن نیز معمولاً فرامرزی است، به فصل مشترکی می‌رسیم که در آن حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به‌دنبال آن هستند تا در خلال وقوع جنگ، آسیب‌های ناشی از آن را در محیط زیست به حداقل ممکن رسانند. در این خصوص می‌توان به مواردی اشاره نمود، از جمله: پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)، کنوانسیون ENMOD (۱۹۷۷)، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸)، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و بیانیه‌های استکهلم (۱۹۷۲)، ریو (۱۹۹۲) و ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، که همگی در پی آنند تا از میزان خسارات وارده بر محیط زیست در زمان جنگ بکاهند.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه معاهدات و قواعد حقوقی زیست محیطی ناظر بر زمان صلح در شرایط جنگ نیز کاربرد دارد، در نتیجه قواعد قراردادی و عرفی حفاظت محیط زیست که متضمن قواعد آمره با تعهدات ارگا اومنس می‌باشند، دولتهای متخاصم و درگیر در مخاصمات مسلحانه را فارغ از عضویت یا عدم عضویت در معاهدات بین‌المللی متعهد می‌سازند. از آنجا که دستیابی به یک اجماع جهانی در قالب یک معاهده جهت حفاظت محیط زیست در زمان جنگ با چالش روبرو است، ضرورت حفاظت محیط زیست در زمان جنگ به سمت و سوی قواعد آمره و تعهدات ارگا اومنس پیش رفته است. چرا که طی سالهایی که از جنگ‌های جهانی گذشته و تجربیات جامعه بین‌المللی از اثرات مخرب جنگ چه در شرایط جنگ و چه اثرات پایدار آنها در سالهای پس از آن، بشر را به این نتیجه و باور رسانده که جنگ‌ها تمام می‌شوند، ولی اثرات آن تا مدت‌ها باقی مانده و ما را هم چنان درگیر می‌دارد، از همین رو می‌بایست تلاش شود تا این اثرات را به حداقل رساند.

در طی سالهای اخیر از یک سو با فراگیر شدن مباحث زیست محیطی و اهمیت یافتن عدم ورود خسارت به محیط زیست جهانی، توجه اکثریت به این مهم معطوف گشته است و از سویی دیگر ضرورت برخورداری از محیط زیست سالم و امن (اصل ۱ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲) به عنوان یکی از اصول نسل سوم حقوق بشر تبیین شده و در قالب قاعده آمره مطرح می‌باشد، که خود تأکید دیگری بر ضرورت حفاظت محیط زیست در زمان جنگ می‌باشد. از همین رو می‌توان نتیجه گرفت که، در عصر حاضر به سبب آنکه وظیفه دولتها در حفاظت محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه در قالب یک قاعده آمره و تعهد بین‌المللی ارگا اومنس در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده است، می‌توان امید داشت در صورت وقوع جنگی احتمالی در خلیج فارس و یا در هر نقطه دیگر از جهان با رعایت قواعد مذکور اثرات سوء زیست محیطی جنگ را به حداقل رساند و شاهد تجربیات تلخ گذشته نباشیم، هرچند غایت هدف جامعه جهانی زندگی در جهانی عاری از هر گونه جنگ می‌باشد.

از آنجا که در خلال جنگ دوم خلیج فارس (۲ اوت ۱۹۹۰؛ ۲۸ فوریه ۱۹۹۱) شورای

امنیت سازمان ملل متحد تنها در قطعنامه ۶۷۴ دولت عراق را در برابر انهدام اموال عمومی و خصوصی در کویت مسئول شناخت، می‌توان چنین استنباط نمود که مسئولیت محیط زیست تخریب شده و آلودگی‌های منطقه خلیج فارس نیز به عهده دولت عراق می‌باشد. آنچه در مورد عملکرد شورای امنیت در آن زمان قابل توجه می‌باشد این نکته است که در اوایل دهه ۹۰ هنوز جامعه جهانی به رویکردی مشترک در خصوص اهمیت محیط زیست و حفاظت از آن در شرایط جنگ و صلح نرسیده بود. چنانچه تا آن زمان تنها اجلاس استکهلم (۱۹۷۲) برگزار شده بود در حالی که پس از جنگ دوم خلیج فارس تاکنون، اجلاس ریو (۱۹۹۲) و ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) برگزار شده و نیز قطعنامه‌های ۴۷/۳۷ (۱۹۹۲)، ۴/۵۶ (۲۰۰۱) و اساسنامه رم (۱۹۹۸) تدوین و تصویب شده، که بیانگر رویکرد جامعه جهانی به سمت این مهم می‌باشد. از همین رو اگر چه در جنگ دوم خلیج فارس اجماع جهانی برای برخورد با دولت عراق در قبال خسارات و آلودگی‌های زیست محیطی صورت نپذیرفت، ولی امروزه در صورت وقوع جنگی احتمالی با اثرات زیست محیطی گسترده در منطقه خلیج فارس یا هر نقطه دیگر از جهان، ما با عملکردی متفاوت از جامعه جهانی و سازمان ملل مواجه خواهیم شد. چرا که در کنار افزایش آگاهی جهانی در این مورد که آلودگی‌ها و خسارات زیست محیطی دارای اثرات جهانشمول می‌باشند، بسیاری از قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه در حوزه محیط زیست به‌زعم اکثر حقوقدانان در زمره قواعد آمره قرار گرفته و به‌عنوان تعهدی ارگا اومنس دولتها را مکلف می‌سازد در شرایط جنگ و صلح از آن شانه خالی نکرده و آنرا نادیده نگیرند. از آنجا که با وجود تلاش دولتها جهت کاهش اثرات جنگ بر محیط زیست، همواره محیط زیست از اقدامات خصمانه آسیب می‌بیند، تنها راه برخورداری از محیط زیست سالم وجود دنیای بدون درگیری و جنگ و یا با حداقل درگیری می‌باشد و دنیایی که در زمان صلح نیز ملاحظات زیست محیطی را همواره مد نظر قرار داشته باشد. علاوه بر آنکه قواعد آمره دولتها را ملزم به حفاظت محیط زیست در شرایط مخاصمات مسلحانه می‌داند، باید دو پیشنهاد زیر را مورد توجه قرار داد:

پیشنهاد اول: با توجه به اینکه دستیابی به یک اجماع جهانی در قالب یک معاهده فراگیر

الزام آور با مشکلاتی روبرو است یا حداقل در آینده نزدیک دور از دسترس می‌نماید، شاید مناسب‌ترین گزینه، برای کشورهای واقع در مناطقی که با چالش‌های سیاسی روبرو و احتمال بروز مخاصمات در این مناطق بیشتر است (مانند خلیج فارس و دریای خزر که علاوه بر حساسیت‌های ژئوپلیتیکی دارای محیط زیست بسیار آسیب‌پذیر و شکننده می‌باشند)، شکل‌گیری معاهدات منطقه‌ای حفاظت محیط زیست یا کاهش خسارات زیست محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه در این مناطق باشد.

پیشنهاد دوم: با توجه به اهمیت یافتن مسائل زیست محیطی و اینکه شرایط حساس جهانی در زمینه محیط زیست ظرفیت آسیب‌های جدی‌تر در زمان جنگ را ندارد و به تدریج اقدام علیه محیط زیست در حکم جنایت علیه بشریت مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته، باید معیارهایی را برقرار کرد تا هنگام مخاصمات مسلحانه چنانچه محیط زیست به‌طور عمدی هدف قرار گرفته و در عین حال تأثیرات آن بر انسان و محیط زیست او شدید، گسترده و دراز مدت باشد، موضوع در حکم جنایت جنگی تلقی شود.

۷- ق‌دردانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان: بررسی تأثیرات متقابل حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق محیط زیست به‌منظور ارائه الگو و چارچوب حقوقی نوین حفاظت از محیط زیست در شرایط جنگ می‌باشد، لذا نگارندگان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و جناب آقای دکتر فرهاد دبیری، مدیر گروه حقوق محیط زیست به سبب حمایت‌های ارزنده‌شان ق‌دردانی می‌نمایند.

References

1. Austin, J.E. and Bruch, C.E (2000); The Environmental Consequenc of War Lagal Economic and Scientific Perspectives,1ST.Ed. Cambridge University press, Available at: http://www.amazon.com/gp/reader/0521780209/ref=sib_dp_pt#reader-link.
2. Azghandi,A.R. and Roshandel, J (2005); Current Military and Strategic Issues,4th.Ed. SAMT Publication, Tehran [in Persian].
3. Bakhtiari Asl, F (1997); Environment Protection in International Armed Conflicts,1st.Ed. Publication of Foreign Affairs Ministry, Tehran [in Persian].
4. Center of Naval Warfare Studies (2000); International Environmental Law and Naval War, The Effect of Marine Safty and Pollution Conventions During International Armed Conflict, Naval War College Press, Available at: <http://library.northsouth.edu/Upload/International%20Environmental.pdf>.
5. Charter of the Nurnberg International Military Tribunal (1945); Available at: <http://www.derechos.org/nizkor/nuremburg/charter.html>.
6. Convention IV Geneva (1949); Available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/380?OpenDocument>.
7. Convention IV Hague (1907); Available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/195>.
8. Declaration of St. Petersburg (1868); Available at: http://www.lawofwar.org/st-petersburg_declaration.html.
9. ENMOD(1977); Available at: <http://www.nti.org/db/china/engdocs/enmod.htm>.
10. Ettehad, M (2007); A Review of Structure and Function of the United Nations Compensation Comission in Conection with Environmental Consequence of Iraq – Kuwait War (1991).Dissertation, Sience and Research Branch of Islamic Azad University of Tehran.Iran [in Persian].
11. Farkhojasteh, H (1989); Sociology of War,1st.Ed. Publishing and Education Organization of the Islamic Revolution, Tehran [in Persian].
12. Ghasemi, F (2010); Geopolitical model of reginal security: A case study in Middle East, Geopolitics Quarterly, Vol.6, No.2 , Tehran [in Persian].
13. Habibi, H (2004); Public International Law,1st.Ed. Information Press, Tehran[in Persian].
14. Habibi, M.H (2000); Environmental Law.1st.Ed.Volume 1. Tehran University press, Tehran [in Persian].

15. Hashemi, F (2011); Sustainable security in the Persian Gulf: obstacles and mechanisms, Geopolitical Quarterly, Vol.7, No.1, Tehran [in Persian].
16. Henderson, C.W (2010); Understanding International Law, 1st. Ed, Wiley-Blackwell Publication.
17. Hulme, k; York, C (2004); War Torn Environment: Interpreting The Legal Threshold, 1st. Ed. Martinus Nijhoff Publisher, Available at: <http://books.google.com/books?id=hKoXIlE58g4C&dq=isbn:9789004138483>.
18. International-Law-And-The-Right-To-A-Healthy-Environment-As-A-Jus-Cogens-Human-Right&id=1933199, Available at: <http://ezinearticles.com>
19. Johannesburg Declaration(2002); Available at: http://www.un.org/esa/sustdev/documents/WSSD_POI_PD/English/POI_PD.htm.
20. Kaviani Rad, M (2011); Processing concept of Environmental Security (concerning security and ecological), Geopolitics Quarterly, Vol.7, No.3, Tehran[in Persian].
21. Linderfalk, U (2008); The Effect of Jus Cogens Norms. The european Journal of International Law., 18(5), 853-871. Available at: <http://ejil.oxfordjournals.org/content/18/5/853.full.pdf+html>.
22. Molaee, Y (1994); The executive power of Security Council Resolutions (Iraq-Kuwait War), Journal of Law and Political Science, Volume 33, 107. Retrieved July 14, 2011, from <http://journals.ut.ac.ir/page/article-frame.html?articleId=8194>., Tehran [in Persian].
23. Moussazadeh, R (2005); The Law of Treaties, 2nd. Ed. Mizan Publication, Tehran [in Persian].
24. Protocol Additional to the Geneva Conventions(1977); Available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/470?OpenDocument>.
25. Resolution 47/37 of general assembly (1992) ; Available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/024/04/IMG/NR002404.pdf?OpenElement>.
26. Resolution 56/4 of general assembly (2001); Available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N01/475/24/IMG/N0147524.pdf?OpenElement>.
27. Rio Declaration(1992); Available at: <http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm>.
28. Rome Statute (1998); Available at: <http://www.icc-cpi.int/Menu/ICC/Legal+Texts+and+Tools/Official+Journal/Rome+Statute.htm>.
29. Secretariat of the National Committee for Humanitarian Law (2003); Rules and Law applicable in Armed Conflict, 1st. Ed. Amir Kabir Publication, Tehran [in Persian].

30. Secretariat of the National Committee for Humanitarian Law (2004); Observance of International Humanitarian Law. 1st. Ed. Sersem Publication, Tehran [in Persian].
31. Stockholm Declaration (1972); Available at: [http://www.polak.com/res/environment protection/stockholm declaration](http://www.polak.com/res/environment%20protection/stockholm%20declaration).
32. World Charter for Nature (1982); Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/37/a37r007.htm>.
33. www.aa-mahmoodian.com/Papers/Persian_Gulf_pollution.htm.
34. www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c-1-1298898200p1.php.
35. [www.forum.pacyrus.com / showthread.php?t = 5124](http://www.forum.pacyrus.com/showthread.php?t=5124).
36. [www.ravy.ir / context 2341328.html](http://www.ravy.ir/context%202341328.html).
37. Ziaee Bigdeli, M.R (2004); Public International Law, 19th. Ed. Publication of Ganje Danesh, Tehran [in Persian].

